

بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با تاب‌آوری در کارکنان یگان ویژه ناجا

حمیدرضا سعادت اظهار^۱، احمد سوری^۲، روح اله کریمی^۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۲۸

از صفحه ۷ تا ۲۶

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با تاب‌آوری در کارکنان یگان ویژه ناجا است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه کارکنان یگان ویژه شهر تهران می‌باشد. نمونه مورد بررسی ۲۷۲ نفر از کارکنان یگان ویژه شهر تهران می‌باشد که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش عبارتند از: ۱) پرسشنامه تاب‌آوری کانر و دیوید سون (CD-RISC). محمدی (۱۳۸۴) این مقیاس را برای استفاده در ایران هنجاریابی کرده است. وی این مقیاس را بر روی ۲۴۸ نفر اجرا کرد و پایایی آن با سنجش همسانی درونی آلفای کرونباخ /۰۸۹. به دست آمد. ۲) پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی نئو- فرم کوتاه (NEO-FFI). ضرایب پایایی این آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بین /۰۵۶ تا /۰۸۷. به دست آمده است. داده‌های بدست آمده با استفاده از روش همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج یافته‌های پژوهش (در سطح /۰۰۵) حاکی از ارتباط معنادار منفی بین روان‌نزدی با تاب‌آوری و ارتباط معنادار مثبت برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری و مسئولیت‌پذیری با تاب‌آوری می‌باشد ولی دلپذیر بودن رابطه معناداری با تاب‌آوری ندارد. لذا پیشنهاد می‌گردد مسئولان مربوطه در خصوص اخذ آزمون‌های روان‌شناختی قبل از استخدام علاوه بر توجه به سلامت روانی به تفاوت‌های روانشناختی و فاکتورهای روانشناختی مرتبط با کارایی سازمانی ویژه‌ای داشته و در تعیین رسته به تفاوت‌های افراد توجه ویژه‌ای گردد.

واژگان کلیدی:

شخصیت، تاب‌آوری، روان‌نزدی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، دلپذیری، یگان ویژه ناجا.

۱. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول: saadatazhar@yahoo.com).

۲. استادیار روان‌شناسی تربیتی دانشگاه علوم انتظامی امین.

۳. دانشجوی دکتری علوم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی.

مقدمه:

انسان‌ها در برابر شرایط نامساعد، خطرناک و ناملازمات معمولاً احساس بی‌پناهی می‌کنند و در بسیاری مواقع نیز سعی می‌کنند که در برابر خطرناک و موقعیت ناگوار تحمل نمایند و نتایج غیر منتظره‌ای به دست می‌آورند. توانایی اجرای این «جادوی رایج»^۱ اغلب در حوزه علوم اجتماعی به عنوان انعطاف پذیری یا «تاب آوری»^۲ نام دارد. تاب آوری در علوم اجتماعی به عنوان «فرایند کنش و واکنش در مقابل ناملازمات» فرض می‌شود (هانتر، ۲۰۰۱). کانر^۳ (۲۰۰۶) تاب آوری را به عنوان روشی برای اندازه گیری توانایی فرد در مقابله با عوامل استرس زا و عواملی که سلامت روان فرد را تهدید می‌کند، تعریف کرده است و این در حالی است که بلاک^۴ (۲۰۰۲) تاب آوری را توانایی سازگاری سطح کنترل بر حسب شرایط محیطی می‌داند (لترینگ، بلاک و فوندر، ۲۰۰۵). تاب آوری عامل اصلی است که به افراد در مواجهه و سازگاری با شرایط سخت و استرس‌زای زندگی کمک می‌کند و آنها را در برابر اختلالات روانی و مشکلات زندگی محافظت می‌کند. افراد تاب آور سازگاری فردی بالایی با عوامل استرس‌زای محیطی در زندگی‌شان دارند. تاب آوری ماهیتی چند گانه دارد. بنابراین ممکن است فرد در یک بعد تاب آور باشد، و در ابعاد دیگر تاب آوری نداشته باشد.

موج‌های پژوهشی درباره تاب آوری

پژوهش در زمینه تاب آوری، بیشتر از بافتار شناسایی ویژگی‌های افرادی که در موقعیت‌های خطرناک زندگی می‌کنند نشأت گرفته است. در این زمینه سه موج در پژوهش و توجه به تاب آوری مطرح شده است.

موج اول - ویژگی‌های تاب آوری

از دیدگاه تاریخی، اولین موج بررسی تاب آوری بر تغییر الگو از توجه به عوامل خطرناکی که منجر به مشکلات روان شناختی شده بر شناسایی توانایی‌های یک فرد، متمرکز بود. در این موج می‌توان به فعالیت‌های ماستن (۱۹۹۰)، گارمزی و همکاران (۱۹۹۱) و بررسی ورنر و اسمیت (۱۹۹۲)

1. ordinary magic
2. Resiliency
3. Canner
4. Block

اشاره کرد. چنان که قبلاً نیز گفته شد، مطالعات گارمزی نشان داد کودکان دارای والدین اسکیزوفرنیک (که در شرایط بدی زندگی می‌کردند) افرادی با کفایت و مقاوم شدند. معیار اطمینان گارمزی عبارت بود از مؤثر بودن (در کار، بازی و دوست داشتن)، کانون کنترل درونی داشتن، دیدگاه مثبت، خودنظم دهی و شوخ طبعی (به نقل از دامن کشان، ۱۳۸۸).

موج دوم - فرآیند تاب‌آوری

موج دوم بررسی تاب‌آوری تلاشی بود جهت پاسخ به این پرسش که حالات تاب‌آوری چگونه کسب می‌شود؟ این عقیده وجود دارد که حالات تاب‌آوری طی یک فرآیند شکست و انسجام مجدد به دست می‌آید. یک فرآیند با جزئیات بیشتری در زمینه حالات تاب‌آوری به عنوان کارکردی از انتخاب هوشیار یا ناهوشیار به وسیله ریچاردسون^۱ و همکاران (۱۹۹۰) مطرح گردید. ریچاردسون الگویی خطی ارائه می‌دهد که طی آن فرد یا گروه از بین مراحل تعامل زیستی، روانی و معنوی، تعامل با فوریت‌های زندگی، از هم گسیختگی، آمادگی برای انسجام مجدد و انتخاب برای انسجام مجدد به صورتی تاب‌آورانه، برگشت به تعادل دارد یا این مراحل را بدون تعامل می‌گذرانند. بر طبق این الگو، افراد این فرصت را می‌یابند که از میان از هم گسیختگی برنامه‌ریزی شده با واکنش به رخداد‌های محیطی به صورتی هوشیار یا ناهوشیار، پیامدهای از هم گسیختگی خویش را انتخاب کنند.

موج سوم - نظریه تاب‌آوری

انسجام مجدد تاب‌آورانه برای رشد به انرژی نیاز دارد و طبق نظریه تاب‌آوری، منبع این انرژی یک منبع معنوی و ذاتی است. یکی از عبارات نظریه تاب‌آوری این است که نیرویی در درون هر فرد وجود دارد که او را به سوی خودشکوفایی، نوع دوستی، خرد و هماهنگی سوق می‌دهد. این نیرو یک منبع معنوی دارد. پرسشی که به موج سوم بررسی تاب‌آوری منجر گردید عبارت بود از این که منبع انرژی یا انگیزشی که به انسجام مجدد تاب‌آورانه منجر می‌شود چیست و در کجا است؟ چه چیزی یک کودک را تاب‌آور می‌سازد؟ از نظر مفهومی کار روی تاب‌آوری تبیین‌کننده این موضوع است که ما نیازمندیم تا هدف‌های مثبت را در اولویت قرار دهیم. ارتقاء تحول و شایستگی، حداقل به اهمیت پیشگیری از وقوع مشکلات است و در واقع به نتایج یکسانی منجر می‌شود (محمدی، ۱۳۸۴).

1. Richardson

بیان مسأله:

تاب آوری، توانایی افراد در سازگاری مؤثر با محیط است، علی رغم قرار داشتن در معرض عوامل خطر آفرین. عوامل خطر آفرین آن دسته شرایط و موقعیت‌های منفی هستند که با پیامدهای منفی و مشکلات رفتاری مرتبط می‌شوند (گومز و مک لارن، ۲۰۰۶).

در سال‌های اخیر رویکرد روانشناسی مثبت‌گرا با توجه به استعدادها و توانمندی‌های انسان (به جای پرداختن به نابهنجاری‌ها و اختلال‌ها) مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است. این رویکرد هدف نهایی خود را شناسایی موضوع‌ها و شیوه‌هایی می‌داند که بهزیستی و شادکامی انسان را به دنبال دارند. از این رو عواملی که موجب تطابق بیشتر آدمی به نیازها و تهدیدهای زندگی می‌شود، بنیادی‌ترین موضوع مورد پژوهش در این رویکرد است. در این میان تاب‌آوری جایگاه ویژه‌ای در حوزه‌های روانشناسی تحولی، روانشناسی خانواده و بهداشت روانی یافته است، به طوری که هر روز بر شمار پژوهش‌های مرتبط با این موضوع افزوده می‌شود (کوهن و استین، ۲۰۰۶). تاب‌آوری فقط پایداری در برابر آسیب یا موقعیت‌های خطرناک نیست، بلکه شرکت فعال و سازنده در محیط پیرامون خود است (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳). در واقع همان‌طور که ریچارد سون (۲۰۰۲) بیان کرده است، تاب‌آوری بیشتر از آن‌که یک بهبود ساده از آسیب و مصیبت باشد، رشد یا سازگاری مثبت به دنبال دوره‌ای از برهم خوردن تعادل حیاتی است و بر طبق نظر بونانو^۱ (۲۰۰۴) چیزی بیشتر از زنده ماندن با وضعیت تنش‌زا و مترادف با آسیب‌ناپذیری نسبت به تنش نیست. نظریه‌های قبلی در مورد تاب‌آوری بر ویژگی‌های مرتبط با پیامدهای مثبت در رویارویی با ناملایمات زندگی تأکید داشته‌اند و عوامل حفاظتی بیرونی مثل مدارس کارآمد و رابطه با بزرگسالان حمایت‌گر را به عنوان عوامل ارتقاءدهنده تاب‌آوری مؤثر دانسته‌اند. در حالی که نظریه‌های فعلی تاب‌آوری را موضوعی چند بعدی متشکل از متغیرهای سرشتی مانند مزاج و شخصیت همراه با مهارت‌های خاص مثل حل مسأله می‌دانند که به افراد اجازه می‌دهد به خوبی با وقایع تنش‌زای زندگی مقابله کنند (کوهن و استین، ۲۰۰۶).

از جمله مسائلی که در حوزه تاب‌آوری مطرح است، نقش صفات شخصیتی است. بر اساس مدل انتخاب - مقابله افتراقی بلوگر و زوکرمن (۱۹۹۷) راهبردهای مقابله‌ای مورد استفاده در رویارویی با

1. Bonannot

تنش تعیین‌کننده پیامدهای مثبت یا منفی هستند و نوع راهبردهای مقابله انتخاب شده به صفات شخصیتی افراد بستگی دارد در واقع طبق این مدل شخصیت از طریق تأثیر در نوع واکنش به آن یا تأثیر در هر دو زمینه بر فرایندهای مرتبط با تنش تأثیر می‌گذارد. در نتیجه از آنجا که صفات شخصیتی خاص افراد، به کارگیری راهبردهای مقابله‌ای متفاوت را ترغیب می‌کنند، افراد به صورت متفاوت به تنش پاسخ می‌دهند (بارتلی و روش، ۲۰۱۱؛ به نقل از شفیع زاده، ۱۳۹۱).

پژوهش‌ها نشان داده است که موفقیت شغلی زمانی میسر است که، نه تنها خصوصیات افراد بلکه خصوصیات مشاغل مربوط به آنها مورد بررسی قرار گیرد. بر مبنای این شناخت دو گانه و تشخیص رابطه میان آنهاست که انتخاب احسن صورت می‌پذیرد. مصالح جامعه ایجاب می‌کند که فرد در جایی قرار گیرد که بهتر بتواند خدمت نماید و مصالح فردی نیز حکم می‌کند در مکانی باشد که بهتر بتواند رشد و تعالی یابد. بنابر این در گزینش شغلی افراد دو عامل باید مورد ارزیابی قرار گیرد:

۱- ارزیابی فرد در زمینه علائق، توانایی‌ها و بطور کلی ویژگی‌های شخصیتی فرد؛ ۲- ارزیابی در زمینه توانایی‌ها و ویژگی‌هایی که برای موفقیت در آن شغل ضرورت دارد (حجازی، ۱۳۶۸: ۲۵).

بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده اند که صفات عمومی مختلف از قبیل هوش و یا تحصیلات عالی در همه مشاغل به موفقیت حرفه‌ای کمک می‌کند؛ در نتیجه در اغلب موارد، مجموعه عوامل واحدی را برای انتخاب افراد در مشاغل مختلف به کار می‌گیرند بی‌آنکه به ویژگی‌های شخصیتی و روانی توجه لازم داشته باشند. گاه مشاهده می‌گردد علی‌رغم اینکه از لحاظ تناسب تخصص حرفه‌ای افراد با تحصیلات یا محیط و وسایل کار آنها اشکالی وجود ندارد، اما محصول کار رضایت بخش نیست. یکی از دلایلی که می‌تواند در این رابطه مؤثر باشد عدم توجه به عوامل روانی و انسانی افراد است. این عوامل انسانی را می‌توان در احساس رضایت خاطر شخص از شغل و علاقه او به کار در سازمان خلاصه کرد (حجازی، ۱۳۸۰: ۱۵۰).

گزینش و استخدام کارکنان پلیس از اهمیت زیادی برخوردار است. بدون تردید گزینش کارکنان نامناسب هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی بسیاری را می‌تواند به بار بیاورد. اشتغال در ادارات پلیس از حیث قدرت و اقتداری که به کارکنان خود می‌دهند، شغل منحصر به فردی است. از این رو در استخدام این کارکنان باید توجه ویژه‌ای مبذول داشت و از روش‌هایی استفاده کرد که حتی المقدور از استخدام پلیس‌های فاقد صلاحیت‌های لازم اجتناب شود و بدین سان جامعه را از فجایع احتمالی که این مسأله می‌تواند ایجاد کند، حراست کرد (پاینس، ۱۹۹۴).

با توجه به شرایط خاص خدمت در پلیس انجام این پژوهش از این حیث ضرورت دارد که می‌توان با کشف رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با تاب‌آوری، با گزینش افرادی با ویژگی‌های خاص شخصیتی که با تاب‌آوری همبستگی بالایی دارند موجب پویایی سازمانی در پلیس شده و از هدر رفت زمان و هزینه بیت‌المال پیشگیری کرد و نسبت به هدایت افراد به مشاغل که بتوانند در آن تعالی داشته و با ویژگی‌های روانشناختی آنان سازگار باشد اقدام نمود.

پژوهش حاضر می‌تواند توجه ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف خصوصاً نیروهای مسلح من جمله ناجا را به تغییر آزمون‌های روانشناختی استخدامی و متناسب نمودن آنها با مشاغل عملی و ویژگی‌های محیط‌های کاری جلب نماید. سرانجام اینکه فرایند گزینش کارکنان پلیس به لحاظ مالی برای ناجا حایز اهمیت است، زیرا آنها برای گزینش هزینه‌های زیادی متحمل می‌شوند.

فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه اصلی:

بین ویژگی‌های شخصیتی و تاب‌آوری در یگان ویژه رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی:

- ۱- بین روان رنجور خویی و تاب‌آوری در یگان ویژه رابطه وجود دارد.
- ۲- بین برون‌گرایی و تاب‌آوری در یگان ویژه رابطه وجود دارد.
- ۳- بین انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری در یگان ویژه رابطه وجود دارد.
- ۴- بین دلپذیری و تاب‌آوری در یگان ویژه رابطه وجود دارد.
- ۵- بین مسؤلیت‌پذیری و تاب‌آوری در یگان ویژه رابطه وجود دارد.

پیشینه تحقیقات:

در بررسی «رابطه ویژگی‌های شخصیتی با تاب‌آوری» که در شهرستان مبارکه اصفهان اجرا شد، بین برون‌گرایی و مسؤلیت‌پذیری با تاب‌آوری رابطه مثبت معنادار و بین روان‌نژندی با تاب‌آوری رابطه منفی معنادار بدست آمد. اما بین انعطاف‌پذیری و دلپذیر بودن با تاب‌آوری رابطه معنادار حاصل نشد

(شفیع‌زاده، ۱۳۹۱). در بررسی «ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی» نتیجه تحقیق نشان داد که صفات روان رنجور خوبی در سطح پایین قرار داشت و ۳۴ درصد افراد، انعطاف‌پذیری بالا و بسیار بالا داشتند (قهرمانی و سوری، ۱۳۸۳). در مقاله‌ای تحت عنوان «مقایسه ویژگی‌های شخصیتی با سلامت روانی زنان و مردان دارای بیماری‌های قلبی و کلیوی» که توسط شریفی و همکاران (۱۳۸۲) بر ۱۴۰ نفر بیمار انجام شده نتایج بدست آمده حاکی از آن است که ویژگی‌های شخصیتی روان نژندی در بین بیماران قلبی و کلیوی و افراد عادی تفاوت معناداری وجود داشت.

در خارج از ایران نیز نتایج پژوهشی توگاد و فرد ریکسون (۲۰۰۴)، انزلیچت و همکاران (۲۰۰۶)، سیلی و همکاران (۲۰۰۳)، ماستن (۲۰۰۱) و فریبرگ و همکاران (۲۰۰۶) در زمینه تاب‌آوری و سلامت روانی گویای آن هستند که افراد دارای تاب‌آوری بالا در شرایط استرس‌زا و موقعیت‌های ناگوار سلامت روانشناختی خود را حفظ می‌نمایند و دارای سازگاری روانشناختی هستند. ریو (۲۰۰۵) نشان داد که تاب‌آوری، با هیجان‌نا مثبت، همبستگی مثبت و با هیجان‌نا منفی همانند خشم و غمگینی، همبستگی منفی دارد. همچنین پژوهش کار (۲۰۰۴) نشان داد که سطوح بالای تاب‌آوری به فرد کمک می‌کند تا از عواطف و هیجان‌های مثبت به منظور پشت سر نهادن تجربه‌های نامطلوب و بازگشت به وضعیت مطلوب استفاده کند. ارک، سیمونز، استین، ویکل من و هیچکاک (۲۰۰۸) در پژوهشی نشان دادند که افراد دارای تاب‌آوری بالا، در مواجهه با رویدادهای هیجانی با ماهیت خنثی و نامعلوم، بیشتر تمایل به نشان دادن هیجان‌نا مثبت داشتند. نتایج پژوهش اسوان برگ (۱۹۴۸)، با عنوان دل‌بستگی، تاب‌آوری و پیشگیری حاکی از آن بود دل‌بستگی ایمن تاب‌آوری لازم را در افراد برای مقابله با بسیاری از رویدادهای ناگوار فراهم می‌کند تا در آینده به عنوان یک بزرگسال بدون ایجاد آسیب‌های روانشناختی با آنها مقابله کند. از نظر گارمزی (۱۹۹۱)، به عنوان یک پیشرو پژوهش در زمینه تاب‌آوری، عوامل مرتبط با تاب‌آوری (مثلث تاب‌آوری)، عبارتند از عوامل فردی (خلق و خو، مهارت‌های شناختی)، عوامل خانوادگی (گرمی، انسجام، مراقبت) و عوامل حمایتی (مراقبت معلم و...). سه عنصر تاب‌آوری از نظر گارمزی عبارت بود از آمادگی شخصیت، محیط خانوادگی حمایتی و سیستم حمایتی خارجی (به نقل از نظری، ۱۳۹۱). مگناس و همکاران (۱۹۹۱) نیز در پژوهشی احساس شایستگی خود، نگاه مثبت به خود، همدلی و کانون کنترل درونی را تفکیک‌کننده افراد تاب‌آوری از افراد غیر تاب‌آور گزارش می‌کنند.

چارچوب نظری:

تاب‌آوری به عنوان یک فرآیند، توانایی یا پیامد سازگاری موفقیت‌آمیز با محیط، با وجود شرایط خطرزا و تهدیدکننده در نظر گرفته می‌شود. از این دیدگاه تاب‌آوری برای بهزیستی افراد ضروری است. این ویژگی افراد را قادر می‌سازد تا با چالش‌های سخت زندگی و شرایط استرس‌آور کنار بیایند (کلوس اهلر^۱، ۲۰۰۸؛ به نقل از مظلوم، ۱۳۹۲: ۱۵۰).

ماستن و پاول، تاب‌آوری را به عنوان الگوی رفتاری - نه توصیف از یک فرد به طور کلی و در هر زمان - در نظر می‌گیرند. به عبارتی، نباید انتظار داشت که افراد تاب‌آور در هر دقیقه از روز و تحت هر شرایط و به صورت دائم خوب عمل کنند. در عوض، باید به تاب‌آوری به عنوان الگوی آشکار از سازش در حوزه رفتار و در بافت زندگی افراد نگریسته شود، و نباید آن را صفتی در نظر گرفت که برخی افراد دارای آن هستند و برخی دیگر فاقد آن هستند. بنابراین، تاب‌آوری پدیده‌ی ژنتیکی صرف نیست که فقط انسان‌های خاص دارای آن هستند، در واقع پدیده‌ی تاب‌آوری، ظرفیتی ذاتی در هر فرد است که می‌تواند به خود اصلاح‌گری و تغییر منجر گردد (ماستن و پاول، ۲۰۰۳).

گارمزی و همکاران (۱۹۹۱) برای توصیف تأثیر استرس و ویژگی‌های فردی بر کیفیت سازگاری و تطابق، الگوهایی را ارائه می‌دهند: (۱) مدل جبرانی؛ (۲) مدل چالش؛ (۳) مدل محافظتی یا مصون‌سازی در مقابل آسیب‌پذیری (هالیستر، انگر و فوش، ۲۰۰۱؛ به نقل از قانع، ۱۳۹۲).

مدل جبرانی:

عامل جبرانی، متغیری است که تأثیر مواجهه با خطر را خنثی می‌کند (گارمزی و دیگران، ۱۹۸۴ و ماستن و دیگران، ۱۹۸۸؛ به نقل از زیرمن و آرونکوما، ۱۹۹۴). این عامل با عامل خطرزا در تعامل نیست، بلکه به جای تعامل با عامل خطرزا، تأثیر مستقیم و مستقل بر پیامد مورد نظر دارد. هم عامل خطرزا و هم عامل جبرانی، هر دو در پیش‌بینی پیامد نقش دارند (ماستن؛ گارمزی؛ تلجن و پلیگرینی، ۱۹۸۸).

مدل چالش:

بنابر مدل چالش تاب‌آوری، فشارآور به عنوان عامل بالقوه افزایش دهنده تطابق موفقیت‌آمیز عمل می‌کند. در این مدل، استرس خیلی کم، چالش کافی را ایجاد نمی‌کند و استرس خیلی زیاد نیز در ماندگی را به فرد منتقل می‌کند که می‌تواند منتهی به رفتار ناسازگارانه شود. اگرچه سطوح

متوسط استرس، فرد را با چالش مواجهه می‌دهد که در صورت غلبه فرد بر این استرس، کفایت او تقویت می‌شود. اگر چالش به طور موفقیت آمیز به پایان برسد، فرد برای مشکل بعدی آماده می‌شود. راتر (۱۹۹۷)، این فرایند را مقاوم سازی یا مصون سازی نامیده است. اگر تلاش‌ها برای مواجهه با چالش به طور موفقیت آمیزی به پایان نرسد، فرد به صورت فزاینده‌ای نسبت به خطر آسیب‌پذیر خواهد شد.

مدل محافظتی یا مصون سازی در مقابل آسیب‌پذیری:

عامل حفاظتی، فرایندی است که جهت کاهش احتمال پیامد منفی، با عامل خطر تعامل می‌کند. این عامل از طریق تعدیل اثر مواجهه با خطر عمل نموده، و از طریق تغییر در پاسخ به عامل خطر، به عنوان یک کاتالیزور عمل می‌کند (بروک، نامورا و کهن، ۱۹۸۹؛ کانن و وورک، ۱۹۸۸؛ گارمزی و دیگران، ۱۹۸۴؛ پلی گرینی، ۱۹۹۰؛ ورنر و اسمیت، ۱۹۸۹؛ به نقل از قانع، ۱۳۹۲).

چارچوب تاب‌آوری کامپفر:

چارچوب تاب‌آوری کامپفر (۱۹۹۹)، یک مدل تبدلی تاب‌آوری است و شامل هم‌سازۀ فرایند و هم‌سازۀ پیامد است. این مدل تا اندازه‌ای بر ماهیت تعاملی محتوای محیطی و تاب‌آوری درونی (فرایندهای تبدلی محیطی-شخص)، و عوامل تاب‌آوری درونی و پیامدهای انسجام مجدد (فرایندهای تاب‌آوری) گرایش یافته است. فرایندهای تاب‌آوری شامل فرایندهای منحصر به فرد کنار آمدن است که از طریق مواجهه قبلی فرد با چالش و استرسورها (مانند مشکلات اقتصادی و شغل) آموخته شده‌اند. فریدمن (۲۰۰) این فرایند را سرچشمۀ تاب‌آوری نامیده است.

شخصیت:

شریعتمداری (۱۳۸۰) شخصیت را خصوصیتی می‌داند که در یک طرح و یا کل شکل گرفته و در رفتار ظاهر می‌گردد. و با وجود اینکه این خصوصیات، رفتار را تا حدی ثابت و قابل پیش‌بینی می‌سازد، مع‌ذلک شخصیت فرد قابل تغییر و تکامل است. در این پژوهش به چند نظریه در مورد شخصیت اشاره می‌شود:

نظریه روانکاوی^۱:

رویکرد روانکاوی به وسیله فروید مطرح شد. مطالعه نظام‌دار شخصیت در سال‌های واپسین قرن نوزدهم با روان کاوی آغاز گردید. فروید مفهوم کشاننده را مطرح ساخت. کشاننده محرکی می‌باشد که انسان هیچ راهی برای گریز از آن ندارد و نشان دهنده جنبه روانی تحریکات است که منشأ آن در ارگانیزم قرار دارد (منصور و دادستان، ۱۳۷۷). فروید دو غریزه (کشاننده) عمده را مطرح ساخت. "غریزه زندگی"، "غریزه مرگ". دسته اول تمام نیروهایی را شامل می‌شود که تداوم زندگی و تکثیر نوع انسان را تعیین می‌نماید، مانند غریزه جنسی که به نظر فروید، مهمترین نوع غریزه زندگی است. انرژی یا نیرویی که زیر بنای غریزه جنسی را تشکیل می‌دهد، لیبیدو نام دارد و دسته دوم از گرایز عمده غریزه مرگ است این غریزه زیر بنای تمام خصوصیات خشونت‌آمیز، ظالمانه، پرخاشگرانه، جنایت‌آمیز و تخریبی از جمله قتل، خودکشی و جنگ است (شاملو، ۱۳۷۷). فروید به شیوه‌ای علمی، منظم و منطقی و براساس یک رشته اطلاعات کلینیکی، تأثیر دوره رشد و تکامل را در ایجاد شخصیت انسان مطرح کرد. فروید عقیده دارد که افراد، پنج منش اجتماعی دارند که عبارت است از: تأثیر پذیر، استثمارگر، مال جمع کن، بازاری و خلاق (شعاری نژاد، ۱۳۷۰، به نقل از غفوریان، ۱۳۸۲).

نظریه نوروان کاوی:

چند تن از نظریه‌پردازان شخصیت که ابتدا به فروید وفادار بودند و خود را پایبند نظام روانکاوی می‌دانستند، به علت مخالفت با جنبه‌های خاصی از رویکرد او، رابطه خود را با وی قطع کردند. کارل یونگ و آلفرد آدلر قبل از اینکه اعتراضی کنند و دیدگاه‌های شخصیت خودشان را به وجود آورند همکاران فروید بودند. کارن هورنای و اریک فروم رابطه شخصی با فروید نداشتند ولی قبل از اینکه مسیرهای متفاوتی را دنبال کنند. از طرفداران فروید بودند. هنری موری، اولین نظریه پرداز آمریکایی است که دیدگاهی را درباره شخصیت به وجود آورد که تعبیر منحصر به فردی را از مفاهیم روان کاوی رسمی در اختیار می‌گذارد (شولتز ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۱: ۵۵).

نظریه‌های انسان گرایی:

آبراهام مازلو بنیانگذار و رهبری معنوی جنبش روانشناسی انسان‌گرا در نظر گرفته می‌شود.

1. psychoanalysis theory

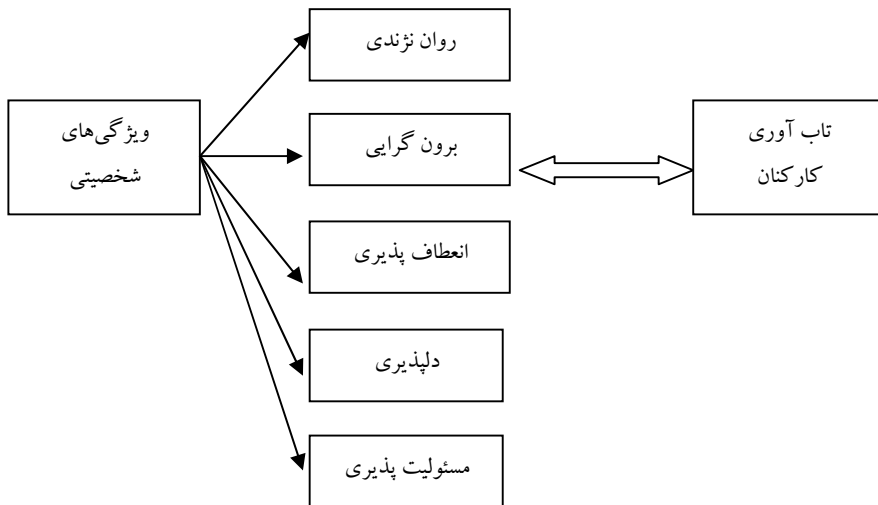
مازلو مدعی بود که هر شخصی با نیازهای غریزی به دنیا می‌آید که به رشد پیشرفت و خود شکوفایی می‌انجامد. مازلو سلسله مراتبی از پنج نیاز فطری را معرفی کرد که رفتار انسان را برانگیخته و هدایت می‌کند. نیازهای فیزیولوژیک، نیازهای ایمنی، نیازهای تعلق پذیری و عشق، نیاز به احترام، نیاز به خود شکوفایی. نیازهای شناختی: مازلو همچنین مجموعه دومی از نیازهای فطری را معرفی کرد: نیاز به شناخت و فهمیدن. این نیازها خارج از سلسله مراتب هستند مازلو گفت که نیازهای شناخت و فهمیدن در اواخر نوباوگی و اوایل کودکی پیدا می‌شوند و به صورت کنجکاوای کودک بیان می‌شوند. ناکامی در ارضاء کردن نیازهای شناختی زیان بخش است و می‌تواند جلو رشد و کارکرد کامل شخصیت را بگیرد (شولتر ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۱: ۵۳).

نظریه‌های رفتاری:

در رویکرد رفتاری سنتی هیچ اشاره‌ای به امور درونی نظیر اضطراب، سایق‌ها، انگیزه‌ها، نیازها مکانیزم‌های دفاعی یا فرایندهای مشابهی که به وسیله نظریه پردازان دیگر در مورد شخصیت عنوان شده است نمی‌بینیم. از نظر رفتارگرایان شخصیت چیزی بیش از انباشته‌ای از پاسخ‌های آموخته در برابر محرک‌ها، مجموعه‌ای از رفتارهای آشکار، یا سیستم‌های عادی نیست، بنابراین شخصیت، تنها به آنچه می‌تواند به صورت عینی مشاهده شده و دستکاری شود اطلاق می‌گردد (شولتر ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۱: ۵۲).

مدل مفهومی تحقیق:

با توجه به تحقیقات انجام شده در زمینه رابطه ویژگی‌های شخصیتی و تاب‌آوری و نتایج بدست آمده از آنها و نیز با توجه به فرضیات و اهداف تحقیق حاضر، می‌توان مدل مفهومی تحقیق را به صورت زیر در نظر گرفت.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش شناسی تحقیق:

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بوده و جزء تحقیقات کاربردی است. جامعه آماری مشتمل بر کلیه کارکنان یگان ویژه شهر تهران است که در سال ۱۳۹۲ مشغول به انجام خدمت می‌باشند. نمونه گیری بر اساس جدول مورگان انجام شد و تعداد ۲۷۲ نفر از کارکنان یگان ویژه شهر تهران که به دو گروه شیفتی (۲۷٪) و غیر شیفتی (۷۳٪) خدمت می‌نمایند انتخاب شدند. منظور از خدمت شیفتی در این پژوهش ۲۴ ساعت خدمت و ۲۴ ساعت استراحت می‌باشد. و منظور از خدمت عملیاتی ۲۰ شبانه روز کار و ۱۰ شبانه روز استراحت می‌باشد. از دو ابزار برای بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با تاب آوری در کارکنان یگان ویژه به شرح ذیل استفاده شده است:

الف- مقیاس تاب آوری کانر-دیویدسون: این مقیاس یک ابزار ۲۵ گویه‌ای است که تاب آوری را در اندازه‌های پنج درجه‌ای لیکرت از صفر (همیشه درست) تا چهار (کاملاً نادرست) می‌سنجد. محمدی (۱۳۸۴) این مقیاس را برای استفاده در ایران هنجار یابی کرده است که پایایی آن را با سنجش همسانی درونی آلفای کرونباخ ۰/۸۹ اعلام نموده است. (شاکری نیا و محمد پور، ۱۳۸۹).

ب- پرسشنامه شخصیت پنج عاملی نئو: این پرسشنامه شامل ۶۰ گویه است که برای اندازه‌گیری پنج عامل بزرگ شخصیت (روان رنجور خویی، برونگرایی، گشودگی، توافق و وجدان گرایی) استفاده می‌شود. گروسی و فرشی (۱۳۸۰) این پرسشنامه را در ایران هنجاریابی کردند. به منظور ارزیابی روایی ملاکی این آزمون از محاسبه همبستگی بین دو فرم گزارش دهی شخصی و گزارش مشاهده‌گر استفاده شده است که ضریب حاصل بین ۰/۴۵ تا ۰/۶۶ بوده اند. ضرایب پایایی این آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ به دست آمده است (گروسی و فرشی، ۱۳۸۰).

یافته‌های تحقیق:

برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌های تحقیق با توجه به این که متغیرهای مورد بررسی در سطح فاصله‌ای بر آورد شده است از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بهره گرفته شده است که نتایج آن به شرح ذیل است:

فرضیه اصلی: بین ویژگی‌های شخصیتی و تاب‌آوری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱: ضریب همبستگی بین ویژگی‌های شخصیتی و تاب‌آوری

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری sig
۲۷۲	۰/۲۷۳	۰/۰۰۰

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که ضریب همبستگی بین ویژگی‌های شخصیتی با تاب‌آوری ۰/۲۷ می باشد و در نتیجه بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه اول: بین روان نژندی و تاب‌آوری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۲: ضریب همبستگی بین روان نژندی و تاب‌آوری

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری sig
۲۷۲	-۰/۲۰۴	۰/۰۰۰

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که ضریب همبستگی بین روان نژندی با تاب‌آوری -۰/۲۰۴ می باشد و در نتیجه بین دو متغیر رابطه معنادار منفی وجود دارد.

فرضیه دوم: بین برون گرایی و تاب‌آوری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳: ضریب همبستگی بین برون گرایی و تاب آوری

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری sig
۲۷۲	۰/۲۲۴	۰/۰۰۰

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که ضریب همبستگی بین برون گرایی با تاب آوری ۰/۲۲ می باشد و در نتیجه بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین انعطاف پذیری و تاب آوری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴: ضریب همبستگی بین انعطاف پذیری و تاب آوری

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری sig
۲۷۲	۰/۲۶۵	۰/۰۰۰

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که ضریب همبستگی بین انعطاف پذیری با تاب آوری ۰/۲۶ می باشد و در نتیجه بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین دلپذیر بودن و تاب آوری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۵: ضریب همبستگی بین دلپذیر بودن و تاب آوری

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری sig
۲۷۲	۰/۰۶۹	۰/۰۰۰

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که ضریب همبستگی بین دلپذیر بودن با تاب آوری ۰/۰۶ می باشد و در نتیجه بین دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه پنجم: بین مسئولیت پذیری و تاب آوری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶: ضریب همبستگی بین مسئولیت پذیری و تاب آوری

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری sig
۲۷۲	۰/۲۶۲	۰/۰۰۰

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که ضریب همبستگی بین مسئولیت پذیری با تاب آوری ۰/۲۶ می باشد و در نتیجه بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری:

از تاب‌آوری به عنوان حفظ سلامتی و عملکرد موفقیت آمیز یا سازگاری با یک بافت و موفقیت تهدید آمیز یا آزارنده یاد می‌شود که البته تاب‌آوری، تنها پایداری در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدید کننده نیست و حالتی انفعالی در رویارویی با شرایط خطرناک نمی‌باشد، بلکه شرکت فعال و سازنده در محیط پیرامونی خود است و توانمندی فرد در برقراری تعادل زیستی- روانی، در شرایط خطرناک است (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳). و با توجه به محیط، نحوه خدمت و نوع مأموریت‌های یگان ویژه بررسی تاب‌آوری در این یگان‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ضریب همبستگی نشان دهنده رابطه معناداری بین دو متغیر ویژگی‌های شخصیتی و تاب‌آوری می‌باشد.

نتایج بدست آمده با استفاده از ضریب همبستگی ۰/۲۷ نشان دهنده رابطه معنادار بین دو متغیر ویژگی‌های شخصیتی و تاب‌آوری و رابطه منفی معنادار بین روان‌نژندی با تاب‌آوری می‌باشد. پس این فرضیه پژوهشی نیز تأیید می‌شود اما رابطه بین دو متغیر منفی می‌باشد. همچنین بین روان‌نژندی، ساختاری که در برگیرنده هیجان‌های منفی و ضعف در سازگاری است، با تاب‌آوری رابطه منفی معناداری وجود دارد. این یافته با یافته‌های بشارت (۱۳۸۶)، کمپیل-سیلس، کوهن و استین (۲۰۰۶) و کلیمر، کاون و ویمان (۲۰۰۰) هماهنگ است (به نقل از شفیع‌زاده، ۱۳۹۱). کلیمر، کاون و ویمان (۲۰۰۰) گزارش کرده‌اند که روان‌رنجور خوبی در برگیرنده عاطفه منفی از جمله احساس غمگینی، خشم و ناراحتی است و کودکانی که از نظر عاطفه منفی پایین ارزیابی می‌شوند به احتمال کمتری در رویارویی با موقعیت‌های سخت و مصیبت‌بار، ناسازگاری نشان می‌دهند.

ضریب همبستگی ۰/۲۲. نشان دهنده رابطه مثبت معنادار بین برون‌گرایی با تاب‌آوری می‌باشد، پس تاب‌آوری رابطه مثبت معناداری با برون‌گرایی دارد، موضوعی که در برگیرنده سبک عاطفی مثبت و هیجان‌های مثبت، روابط بین فردی صمیمی و سطوح بالای تعامل و فعالیت اجتماعی است (توگید و فردریکسون، ۲۰۰۴). این یافته با یافته‌های بشارت (۱۳۸۶)، شفیع‌زاده (۱۳۹۱)، لنگوا (۲۰۰۲)، توگید و فردریکسون (۲۰۰۴) و همینور (۲۰۰۴) هماهنگ است. در تبیین این رابطه می‌توان گفت که هیجان‌های مثبت، تلاش‌های فعالانه را برای رویارویی با تنش افزایش می‌دهد و می‌تواند این اعتقاد که تلاش‌ها موفقیت آمیز هستند را ارتقاء بخشد (بشارت، ۱۳۸۶). فردریکسون (۲۰۰۱) این فرضیه را مطرح می‌کند که هیجان‌های مثبت با تاب‌آوری ارتباط دارند، زیرا آنها مجموعه‌های تفکر-عمل را که با وضعیت تنش‌زا در دسترس

افراد قرار می‌گیرند، گسترش می‌دهند، در نتیجه داشتن تفکر انعطاف‌پذیری بیشتر و گزینه‌های رفتاری وسیع‌تر به عنوان پیامد عاطفه مثبت، مقابله افراد برون‌گرا را در طول رویارویی با تنش افزایش می‌دهد. همچنین سطوح بالای برون‌گرایی در رویارویی با مصیبت‌ها سازگارانه است، زیرا افراد برون‌گرا به احتمال بیشتری حمایت دیگران را جست‌وجو می‌کنند و در این امر موفق‌تر هستند. ثابت شده است کودکانی که از درگیر شدن در تعاملات اجتماعی لذت می‌برند، بیشتر قادرند مراقبت و توجه دیگران را جلب کنند. عاملی که می‌تواند در سازگاری با موقعیت‌های تنش‌زا کمک‌کننده باشد؛ در مقابل کودکانی که تحریک‌پذیر و کج خلق هستند، به راحتی با تغییرات محیطی آشفتگی می‌شوند و حواس آنان به راحتی پرت می‌شود، کمتر قادرند با مصیبت و سختی مقابله کنند و به احتمال بیشتری خشم و طرد والدین را جلب یا استنباط می‌کنند، به خصوص اگر والدین هم آشفتگی باشند (شفیع زاده، ۱۳۹۱).

ضریب همبستگی ۰/۲۶. بدست آمده نشان دهنده رابطه مثبت معنادار بین انعطاف‌پذیری با تاب‌آوری می‌باشد. این یافته با یافته‌های بشارت (۱۳۸۶)، کمپل - سیلس، کوهن و استین (۲۰۰۶)، پانلی، توماکو و ویپ (۲۰۰۳) هماهنگ است. اما یافته‌های شفیع زاده (۱۳۹۱) حاکی از ارتباط معنادار بین تاب‌آوری با مسئولیت‌پذیری بوده ولی بین تاب‌آوری با انعطاف‌پذیری رابطه معناداری را بدست نداده است. در تبیین این رابطه می‌توان گفت که افراد با مسئولیت‌پذیری بالا خود کارآمدی قوی دارند و بیشتر احتمال دارد که یک رویکرد حل مسئله فعال را برای غلبه بر تنش در پیش گیرند.

با توجه به ضریب همبستگی ۰/۰۶. که در این رابطه حاصل شده است می‌توان نتیجه گرفت که بین دلبخیر بودن با تاب‌آوری رابطه معناداری وجود ندارد. نتایج یافته‌های بشارت (۱۳۸۶) و شفیع زاده (۱۳۹۱) نیز با نتایج بدست آمده در این پژوهش همسو است.

ضریب همبستگی ۰/۲۶. نشان دهنده رابطه مثبت معنادار بین مسئولیت‌پذیری با تاب‌آوری می‌باشد، تمایل به استفاده از راهبرد مقابله مسئله مدار، ارتباط مسئولیت‌پذیری با تاب‌آوری را روشن می‌کند (کمپل - سیلس، کوهن و استین، ۲۰۰۶). پانلی، توماکو و ویپ (۲۰۰۳) ثابت کرده‌اند که مقابله مسئله مدار، بهبودی مؤثر از موقعیت تنش‌زا را ارتقاء می‌دهد.

پیشنهادهای کاربردی:

۱- با توجه به ارتباط معنادار ویژگی‌های شخصیتی و تاب‌آوری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت مسئولان مربوطه در خصوص اخذ آزمون‌های روانشناختی قبل از استخدام علاو بر توجه به سلامت روانی به تفاوت‌های روانشناختی و فاکتورهای روانشناختی مرتبط با کارایی سازمانی اهتمام ویژه‌ای داشته باشند. تا علاوه بر افزایش بهره‌وری سازمانی از بروز مشکلات احتمالی (مثل غیبت، تأخیر، طفره رفتن از کار، درگیری‌های محل کار، استعفاء، اخراج از کار و...) که در طول خدمت ممکن است از سوی کارکنانی که با وجود داشتن سلامت روانی اما بعلت سازگار نبودن نوع شغل، محیط و شرایط شغلی با ویژگی‌های شخصیتی آنها بروز نماید تا حدودی پیشگیری نمود.

۲- توجه به ویژگی‌های شخصیتی کارکنان در تعیین رسته خدمتی آنان.

۳- توجه به ویژگی‌های شخصیتی کارکنان و مدیران در تعیین نوع شغل و مسئولیت.

۴- استفاده از ابزارهای متناسب با فرهنگ خودی که در جامعه خود ما ساخته و هنجاریابی شده باشد نتایج پژوهش را از اتقان بیشتری برخوردار خواهد نمود.

۵- در مراکز گزینش و استخدام ناجا و البته سایر نیروهای مسلح دفاتری دایر تا با ابزارهای موجود مانند آزمون‌ها و مصاحبه‌های ساختار یافته به بررسی ویژگی‌های شخصیتی داوطلبان استخدام پرداخته و برابر آن به تعیین نوع (رسته‌های تخصصی) و محیط خدمتی داوطلبان اقدام گردد.

منابع:

- حجازی، یوسف (۱۳۶۸). علل گرایش دانشجویان به رشته کشاورزی. *مجله علوم کشاورزی ایران*، ۱، ۲۰.
- حجازی، یوسف (۱۳۸۰). نقش ویژگی‌های شخصیتی، تبار اجتماعی و ضوابط گزینش در موفقیت تحصیلی و عملکرد شغلی، گزارش پژوهش: دانشگاه تهران
- دامن کشان، الف (۱۳۸۸). مقایسه اثر تاب‌آوری و سبک مقابله بر کیفیت زندگی بیماران مبتلا به ام اس، سرطان و افراد سالم. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی. دانشگاه تربیت معلم
- شاکری نیاء، ایرج و محمد پور، مهری (۱۳۸۹). رابطه تنش شغلی و تاب‌آوری با فرسودگی شغلی در پرستاران زن، *فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه*، سال چهاردهم، ۲، ۱۶۹-۱۶۱
- شاملو، سعید (۱۳۶۶). *بهداشت روانی*. تهران: انتشارات رشد
- شفیق آبادی، عبدالله و ناصر غفور (۱۳۸۱). *نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- شفیق زاده، روح اله (۱۳۹۱). رابطه تاب‌آوری با پنج عامل بزرگ شخصیت در شهرستان مبارکه اصفهان، *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، سال سیزدهم، ۳، پاییز ۹۱
- شولتز، د و شولتز، س (۱۳۷۷). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر ویرایش
- قهرمانی، عبدالله و سوری، امین (۱۳۸۳). بررسی‌های ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان فارغ التحصیل دانشگاه علوم انتظامی، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال دهم، ۳۷، ۹۳-۹۰
- Barrick, M. R. Mount, M.K. ,&Judge, T.A. (2001). **Personality and performance at the beginning of the new millennium: What do we know and where do we go next?** *Personality and performance*, 9, 9-30.
- Block, j. (2002). **Personality as an affect-processing system** Mahwah, Nj: Erlbaum
- Bonanno, G.A. (2004). **Loss, trauma, and human resilience**. *American psychologist* , 59, 20-28.
- Campbell-sills, l., Cohen, Sh. L., Stein, M.B. (2006). Relationship or resilience to personality, coping, and psychiatric symptoms in young adults. **Behaviour Research and Therapy** , 44, 585-599.

- Conner, M., & Davidson, J. R. T. (2003). **Development of a new resilience scale: the Conner- Davidson Resilience Scale (CD-RISC) Depression and Anxiety**, 18, 76-82.
- Garmezy, N. & Masten, A.S., & Telegen, A, (1984). **The study of stress and competence in children: building blocks for developmental psychopathology child development**, 55, 97-111.
- Gomes, R., Mc Laren, S.O. (2006). **The association of avoidance coping style, and perceived Mother and father support with anxiety /Depression among late adolescents Applicability of resiliency models personality and Individual Differences**, 40, 1165-1176.
- Kumpfer, K.L. (2002). **Factor and processes contributing to resilience: in Glantz, M.D. & Johnson, L.S. (Eds). Resilience and Development: Positive life adaptation. Kluwer Academic Publishers. New York.**
- Kumpfer, K.L. (2002). **Factor and processes contributing to resilience: in Glantz, M.D. & Johnson, L.S. (Eds). Resilience and Development: Positive life adaptation. Kluwer Academic Publishers. New York.**
- Letzring, T. D., Block, J., & Funder, D. C. (2005). Ego control and ego resilience: Generalization of self report scale based on personality description from acquaintances, clinicians, and the self. **Journal of research in personality**, 29, 395-422.
- Malouff, J.M., & Schutte, N.S. (1986). Using biographical information to hire the best new police officers: research findings. **Journal of Police Science and Administration**, 14(3), 175-7.
- Masten, A. S. (2001). Ordinary magic: Resilience processes in development. **Journal of American Psychologist**, 56(3), 227-238.
- Masten, A. S. (2001). Ordinary magic: Resilience processes in development. **Journal of American Psychologist**, 56(3), 227-238.
- Pynes, J. (1994). Police officer selection procedures: speculation on the future. **American Journal of Policing**, 13(2), 103-12.
- Reaves, B., & Hickman, M.J. (2004). **Law Enforcement Management and Administrative Statistics**, Data for Individual State and Local Agencies with 100 or More Officers, Bureau of Justice statistics, Washington, DC.
- Richardson, G.E. (2002). The metatheory of resilience and resiliency. **Journal of Clinical Psychology**, 58, 307-321.

